

دو اثر تاریخی در پسکلوت گناباد

دهستان پسکلوت^۱ در
شمال شرقی شهرستان گناباد^۲
واقع است و معبری که
قسمتهای داخلی فلات ایران
باستان را به قسمتهای شرقی
و شمال شرقی آن مربوط
میکرده از آن می گذشته است^۳
کلوت در مفهوم محلی به معنی
برآمدگیها و زمینهای شور
است و ظاهراً چون دهستان
مزبور، نسبت به مرکز گناباد،
در پشت برآمدگیهای شوری
که کلوت پیدخت نامیده
میشود قرار گرفته مسمی به
«پسکلوت» گردیده است.
پسکلوت مشتمل روستا -
های نسبتاً آباد و دارای آثار
تاریخی جالب توجه است که

بقلم

دکتر عباس زمانی

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی

(دانشگاه تهران)

1— Pass Kalout

۲- در مجله بررسیهای تاریخی شماره مخصوص دوهزار و پانصدمین سال
بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، مهر ۱۳۵۰، جغرافیای تاریخی شهرستان

گناباد توسط نگارنده، به اختصار، نوشته شده است.

۳- ایضاً ص ۳۹۱ و ۳۹۲ شماره نامبرده

دوتای آنرا نگارنده تحت عنوان «قلعه دختر شوراب گناباد» در مجله بررسیهای تاریخی، شماره مخصوص دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، و «مقبره -بغتین گیسور» در شماره ۳ سال هفتم، مرداد و شهریور ۱۳۵۱ آن مجله معرفی نموده است و دو تای دیگر را بعنوان «شهر باستانی پشن» و «مزار بیمرغ» در این مقاله مورد بررسی قرار میدهد.

شهر باستانی پشن

ویرانه‌های این شهر در چهل کیلومتری شمال شرقی گناباد و در کنار معبر فوق‌الذکر قرار دارد. این ویرانه‌ها در زمین نسبتاً وسیعی به درازای ۶ و پهنای حدود ۵ کیلومتر و بصورت تپه‌های بزرگ و کوچک وجود دارد و بر سطح این تپه‌ها و فواصل بین آنها قطعات مختلف سفال‌فراوان دیده میشود (شکل ۱). این تپه‌ها عبارت است از:

- ۱- تپه پشته که از دو تپه دیگر مرتفع‌تر و بزرگتر به نظر میرسد و بیش از ده متر ارتفاع و در حدود سی متر قطر دارد. در سطح این تپه سوراخها و گودیهای کوچکی بچشم میخورد و احتمال می‌رود وسیله بارانهای شدید یا بر اثر کندوکاو ایجاد شده باشد ولی رویهمرفته تپه سالم و دست نخورده‌ای بنظر میرسد. به قرار اظهار بعضی از اهالی محل گهگاه در اطراف این تپه (شکل ۲) و سایر نقاط خرابه شهر پشن آثار و اشیائی پیدا شده و چند سال قبل نیز گویا، با اجازه مقامات مربوطه، حفاریهایی در نقاط نزدیک آن بعمل آمده و آثاری پیدا شده است.
- ۲- تپه نقاره‌خانه که در شمال تپه پشته واقع و در حدود یک کیلومتر با آن فاصله دارد.

۳- تپه اروك^۴ که در سمت جنوب و تقریباً دو کیلومتری^۵ تپه پشته واقع و خود مشتمل بر دو تپه است. این دو تپه در وسط اراضی زراعتی واقع (شکل ۳) و قطعات سفال آن خیلی کمتر از تپه پشته است و بصورت يك تپه طبیعی بنظر میرسد. شاید سفالهای آن بتدریج از قله و دامنه تپه سرازیر شده و به اراضی مجاور منتقل و بالاخره توسط زارعین جمع آوری گردیده است. بر طبق اظهار بعضی از ریش سفیدان محل گهگاه اندکی پائین تر از سطح تپه خشت خام ظاهر و کودکان محل، هنگام بازی، آنرا مشاهده کرده اند.

در سیزدهم تیر ماه ۱۳۴۹ که نگارنده به معیت آقای حاج علی توکلی رئیس فرهنگ و هنر گناباد این تپه ها را مشاهده نمود، آقای حاج غلامرضا حسینی یکی از اهالی محل در گوشه قطعه ای از زمینهای مزروعی اثر دیواری را نشان داد که با آجرهای محکم و ساروج ساخته شده بود. بقیه دیوار در زیر خاک پنهان مانده و آنچه ظاهر بود، از نظر شکل آجرها و ملاط آنها، به دیوار آجری آب انبار یا خزان حمام واقع در برجستگی شمالی قله زیر قلعه دختر شوراب گناباد^۶ شباهت داشت و همزمان با آن یعنی مربوط به دوره ساسانی، بنظر میرسید. این تپه ها و نقاط بین آنها از طرف مغرب به اراضی قریه نوده پشن و مزرعه اروك محدود است و از طرف مشرق به صورت دشت نسبتاً هموار و وسیعی درمی آید و در چند کیلومتری به تعدادی قله منفرد و متصل می پیوندد.

۴- Arouk

۵- فواصل تپه ها و حدود شهر باستانی پشن بموجب اظهار ریش سفیدان محل و بطور تقریبی ذکر شده است.

۶- ایضاً مجله بررسیهای تاریخی، شماره مخصوص، ص ۳۹۲ - ۴۰۴.

وجود شهر باستانی پشن را دلائل ذیل تأیید میکند :

اول قریه نوده پشن که به احتمال قوی نام خود را از شهر باستانی پشن گرفته است. این قریه در غرب ویرانه‌های فوق‌الذکر واقع و قسمتی از اراضی مزروعی آن تقریباً وصل به ویرانه‌ها است. بعضی از مؤلفین در معرفی این قریه، که دارای ۵۸۶ نفر جمعیت میباشد، اشاره به شهر قدیم پشن نیز کرده‌اند.^۷

دوم قطعات سفال واقع در سطح تپه‌ها و نقاط بین آنها که مورد ملاحظه مسئول فرهنگ و هنر محل و بعضی متخصصین قرار گرفته و مربوط به دوره‌های تمدنهای از هزاره سوم پیش از میلاد تا قرون اولیه اسلامی بنظر رسیده است.

سوم نام تپه نقاره خانه که احتمالاً محل شیپورچی‌های لشکر و یا سربازخانه بوده و همچنین نام تپه اروک که احتمالاً شکل تغییر یافته کلمه «ارگک» یعنی ارگ کوچک و حاکی از وجود قلعه‌ای در این محل است. وجود اثر دیوار آجر و ساروجی مجاور آن تپه و شباهت آن، از نظر مصالح، با بعضی از قطعات ساختمانی قلعه دختر شوراب گناباد، منسوب به دوره ساسانی، نیز قرینه‌ای بر قدمت این ویرانه‌ها است.

چهارم اشعار شاهنامه فردوسی درباره جنگ ایرانیان و تورانیان در دشت پشن. نگارنده در مقاله‌ای زیر عنوان «قلعه فرودگناباد» چگونگی اعزام طوس سردار باستانی، از طرف کیخسرو به توران

۷- تاریخ و جغرافی گناباد، نگارش حاج سلطان حسین تابنده، تهران ۱۳۴۸، ص ۱۶۸؛ جمعیت نوده پشن با توجه به جلد پنجم، صفحه ۳۱ فرهنگ آبادیهای کشور، بهمن ۱۳۴۷ نقل گردیده است.

زمین ، را بانقل تعدادی از اشعار شاهنامه ، مرقوم داشته است ^۸ هنگام عزیمت طوس کیخسرو به او توصیه نمود راه بیابان را درپیش گیرد و از کنار قلعه کلات که مسکن فرود ، برادرپدري او ، است عبور نکند ولی طوس معبر کلات را انتخاب و با فرود برخورد کرد و در نتیجه فرود و طرفدارانش به قتل رسیدند ^۹ .

پس از این حادثه طوس و لشکریان ایران بسوی توران زمین حرکت کردند ^{۱۰} و در جریان مسافرت گرفتار باریدن برف شدند ^{۱۱} و رزمهای پراکنده ای نمودند. ^{۱۲} افراسیاب از حرکت طوس و سپاه او آگاه شد ^{۱۳} و پیران ویسه را بجنگ او فرستاد. ^{۱۴} پیران

۹۰۸- مجله بررسیهای تاریخی ، شماره ۵ سال هفتم ، آذر و دی ۱۳۵۱ ، ص ۲۹ تا ۳۱ ، نوشته نگارنده .

۱۰- چو طوس سپهبد ز جنگ فرود
سه روز درنگ آمد اندر چرم
سپه برگرفت و بزد نای و کوس
هر انکس که دیدی ز توران سپاه
به پردخت و آمد از آن گه فرود .
چهارم برآمد ز شیپور دم .
زمین کوه تا کوه گشت آنوس .
بکشتی فکندی تنش را براه ؛

شاهنامه فردوسی ، تصحیح اغوستوس ولرس ، لیدن ، مطبعة بریل ، جلد دوم ۱۸۷۸ میلادی (۱۲۹۵ هجری) ، ص ۸۲۷ .

۱۱ و ۱۲- ایضاً همان شاهنامه ، ص ۸۳۰ تا ۸۳۷ .

۱۳- تزا و غمی با دو دیده پر آب
چنین گفت کامد سپهبدار طوس
چو بشنید افراسیاب این سخن
ایضاً همان شاهنامه ، ص ۸۳۸

۱۴- به پیران ویسه چنین گفت شاه
سپهبدار پیران هم اندر شتاب
ز هر مرز مردان جنگی بخواند
همان شاهنامه و همان صفحه .
که گفتم بیاور ز هر سو سپاه
برون آمد از پیش افراسیاب .
سلیح و درم داد و لشکر براند ؛

ویسه و لشکریانش در دشت پشن بر ایرانیان شهبیخون کردند^{۱۵} و عده زیادی از آنان را کشتند و پیروزی نصیب تورانیان گشت^{۱۶}. کیخسرو طوس را بازخواند و فریبرز، جانشین او، یک ماه درنگ خواست و بالاخره با سپاه ایران بنزد خسرو مراجعت کرد^{۱۷}. کیخسرو بدو طوس را خوار نمود و بعداً او و ایرانیان را بخشید^{۱۸} و مجدداً طوس را به توران زمین فرستاد^{۱۹}.

خاطره جنگ پشن، که در بعضی دیگر از اشعار شاهنامه^{۲۰} توسط برخی دیگر از شعرا نیز یادآوری شده،^{۲۱} به نحوی قدمت شهر پشن را تصریح مینماید و امیداست کاوشهای وزارت محترم

۱۵- بلادن که آمد سپاه گشن
شهبیخون ز پیران به جنگ پشن ؛
ایضاً تاریخ و جغرافی گناباد ، ص ۱۶۸ .

۱۶- وزان جایگه سوی ایران سپاه
همه مست بودند ایرانیان
سپیده چو برزد سر از برج شیر
همه دشت از ایرانیان کشته دید
همان شاهنامه ، ص ۸۴۰ و ۸۴۱ .

۱۷- بر شاه باید شدن بی گمان
اگر جنگ فرمان دهد شهریار
بدین رای از آن مرز گشتند باز
همان شاهنامه ، ص ۸۶۷ .

۱۸ و ۱۹- همان شاهنامه ، ص ۸۴۳ و ۸۴۷ و ۸۶۷ و ۸۷۳ و ۸۷۵ .

۲۰- تو دانی که من روز جنگ پشن
چه کستم بدان رزمگاه گشن ،
همان شاهنامه ، ص ۸۸۴ .

۲۱- چون عارض تو ماه نباشد روشن
مزکانت همی گذر کند از جوشن
مانند رخت کل نبود در کلشن
مانند سنان کیو در جنگ پشن ؛
کتاب فرهنگ انجمن آرای ناصری تألیف امیرالشعرا رضا قلیخان متخلص
بهادیت ، انجمن سیم ، جمادی الاخر ۱۲۸۸ .

فرهنگ و هنر به دشت پشن نیز توسعه یابد و وضعیت باستانی و تاریخی آن را عملاً روشن نماید .

مزار بیمرغ .

بیمرغ یا بویمرغ یکی از قراء پسکلوت است و از مرکز گناباد حدود ۲۵ کیلومتر فاصله دارد . در این قریه ، که دارای حدود ۸۰۰ نفر جمعیت است (در فرهنگ آبادیهای کشور ، جلد پنجم ، بهمن ۱۳۴۷ ، صفحه ۳۰ جمعیت این قریه به نام «بیمورق» ۷۹۰ نفر ذکر شده است) ، يك بنای تاریخی وجود دارد . این بنا مشهور به مزار امامزاده احمد فرزند موسی بن جعفر (ع) و منسوب بدوره صفوی است . تاریخ قدیمی موجود در این مزار روی لوحی سنگی و مشتمل بر چهار سطر بوده که تعدادی از کلمات آن توسط آقای علی اکبر مروجی خادم مزار مزبور استخراج و طی یادداشت مورخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۹ برای نگارنده ارسال شده است . بر طبق آن یادداشت در سطر اول لوح مزبور کلمات «در زمان دولت شاه ملایک پاسبان شاه عباس حیدر حسینی» و در سطر چهارم کلمات «بتوفیق حضرت بانی با تمام رسید فی سنه ۲۰۵۱» خوانده شده ولی سنه ۲۰۵۱ درست بنظر نمی رسد و شاید در رقم چهارم آن بجای «۱» «۲» خوانده شده است . اضافه بر آن عبارت سطر اول با سال ۱۰۵۱ نیز مطابقت نمیکند زیرا ، اگر «شاه عباس» مندرج در سطر اول لوح مزبور شاه عباس کبیر باشد ، او در سال ۱۰۳۸ هجری در گذشته است ۲۲ و اگر شاه عباس دوم باشد ، او در سال ۱۰۵۲ ، یکسال پس از نوشته شدن لوح ، به سلطنت رسیده است .

۲۲- سلسله های اسلامی ، نوشته کلیفورد ادمنند بوسورث ، ترجمه فریدون بدره ای ، تهران ۱۳۴۹ ، ص ۶۶ .

است . ۲۳ بنا بر این چنانچه در سه رقم اول سنه اشتباه نشده باشد میتوان تصور کرد که مزار امامزاده احمد (ع) در زمان شاه عباس کبیر (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ) شروع و در ۱۰۵۱ هـ . به اتمام رسیده است . تاریخ دیگری که در این بنا وجود دارد مربوط به تعمیر آن توسط حاج حسنعلی بیگ گنابادی در اواخر قرن سیزدهم هجری است که در روی سنگی حك و در بالای مدخل آن نصب گردیده است . نوشته های این سنگ نیز توسط آقا مروجی در تاریخ ۱۸/۴/۹۴ استخراج و برای نگارنده ارسال کرده و به شرح ذیل است * :

بروزگار شهنشاہ دین پناه مؤید

که هست ناصر دین خدا و ملت احمد

سلالة الحاج حاجی حسنعلی است که باشد

خجسته نائب فرخنده بلوک گناباد

بجست زائر بیت الحرم کسب از آن پس

گماشت همت مردانه را بغیر مجدد

چو بود منهدم از اقتضای گردش گیتی

ببوی مرغ مزار امامزاده احمد

برادر شه مسموم مقتدای خراسان

زنسل موسی کاظم ز آل پاک محمد

۲۳- طبق مندرجات صفحه ۶۹۵ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه (تألیف حسن پیرنیا مشیرالدوله - عباس اقبال آشتیانی ، با شرح آقای باستانی پاریزی) شاه عباس دوم صفوی در پانزدهم صفر ۱۰۵۲ بتخت سلطنت ایران جلوس کرده است .

* - این اشعار در ص ۱۶۲ و ۱۶۳ کتاب تاریخ و جغرافی گناباد نگارش حاج سلطان حسین تابنده، تهران ۱۳۴۸، نیز ثبت است .

باین نکوئی تعمیر کرد و داد بلندی
 که نام نیک بماند از او بدهر مؤبد
 بدستیاری پیر خرد بکلك هنرور
 حبیب از پی تاریخ سال کرد رقمزد
 چو هست در غرفات بهشت مسکن بانسی
 بدیمه از پی تاریخ سال «غرفه» برآمد

این بنا در یک محوطه چهار گوش به ابعاد :

ضلع شمالی ۳۱ متر .

ضلع جنوبی ۳۵ متر .

ضلع شرقی ۹۰ متر .

ضلع غربی ۸۱ متر .

و در روی یک سکوی هشت گوش آجری به ارتفاع یک متر قرار

گرفته است .

نقشه بنا ، مانند سکوی زیر آن ، هشت گوش غیر منتظم و در حقیقت
 مربعی است که چهار گوشه آنرا بریده و سطحی با چهار ضلع بزرگ در
 چهار جهت اصلی و چهار ضلع کوچک در چهار جهت فرعی ایجاد
 کرده باشند (شکل ۴). اضلاع اصلی و فرعی نیز هر یک اندکی بادیگری
 تفاوت دارد ولی بطور متوسط طول اضلاع بزرگ حدود ۷٫۵ و طول
 اضلاع کوچک ۵٫۵ متر است و ، با توجه به ضخامت دیوارها و طول
 ایوانهای جهات اصلی ، اندازه هر یک از اضلاع مربع اصلی زیر بنا
 حدود ۱۵ متر است .

در این نقشه هشت گوش ، و یا در حقیقت مربع گوشه بریده ،

قطعات ذیل قرار داشته است :

اول يك تالار مربع به ضلع ۶ر۶۰ متر در وسط .
دوم چهار درگاه هريك به پهنای بیش از يك متر در چهار ضلع
تالار مربع .

سوم چهار ایوان هريك به پهنای حدود ۳ر۷۵ و عمق بیش از
۲ر۵ متر در چهار جهت اصلی .

چهارم چهار ایوان هريك به پهنای بیش از ۳ و عمق بیش از
۲ر۲۵ متر در چهار کنج بنا .

پنجم چهار کثیرالاضلاع نامنظم و نامرتب ۱۵ ضلعی که در بین
هشت ایوان و چهار درگاه مزبور قرار داشته و در عین حال دیوار تالار
مربع را مشخص میکند .

ایوان ضلع غربی فعلا دارای ۳۵ سانتی متر عمق (طول)
و فاقد درگاه است و احتمالا انتهای آن ، بعد از اتمام بنا ، بصورت
اطاق مستطیلی مجزا گردیده است .

ششم محل پلکان بنا که در ته ایوان جنوب غربی منظور گردیده
است .

مزار امامزاده احمد (ع) روی هم رفته از نظر شکل يك مقبره برجی
هشت ضلعی و مشتمل بر قسمت‌های ذیل است :

۱- چهار پایه که اضلاع خارجی آنها بترتیب حدود ۱ر۷۵ و
۱ر۲۵ متر و به عبارت دیگر اضلاع مجاور ایوانهای چهار جهت
اصلی بلندتر و اضلاع مجاور ایوانهای واقع در چهار گوشه کوتاهتر
است. در سطح خارجی این پایه ها سه ردیف سوراخ بادخانه مربع برای
چوب بست منظور شده است .

۲- هشت ایوان با قوسهای جناغی شبیه ته کشتی که راجع به پهنای

و بلندی آنها، در مورد نقشه، صحبت شد و ارتفاع آنها، از کف تا زیر طاق، در جهات اصلی حدود ۵ر۵ و در جهات فرعی حدود ۵ متر است. سطح پایه ها قریب ده سانتی متر از زه و قوس ایوانها برجسته است و با این ترتیب بنظر میرسد که ایوان در یک نفول* مستطیل قرار داده شده است. در بالای نفولهای مزبور و انتهای پایه ها یک حلقه قرنیز آجری به ارتفاع ۷۵ سانتی متر، که قریب ۱۰ سانتی متر جلو آمده، تعبیه گردیده است. آجرهای سطوح پایه ها افقی و آجرهای قرنیز عمودی و آجرهای طرفین قوسهای ایوانها افقی و عمودی (خفته و راسته) کارگذارده شده و اضافه بر آن یک ازاره، با آجرهای عمودی و به ارتفاع حدود سی سانتی متر، کف ایوانها را از سطح سکو مشخص کرده است.

گنبد بنا، با توجه به روش معمول در ایران باستانی و اسلامی و با کمک گوشوار صورت گرفته است ۲۴ و از طرف بیرون بر فراز یک منشور هشت ضلعی، به اندازه هر ضلع ۳۱۰ و ارتفاع ۸۰/۸۰ متر، استوار گشته و بلندی آن به حدود چهار متر میرسد. بلندی این گنبد تقریباً نوك تیز نسبت به قسمت اصلی بنا، که ارتفاع آن بیش از هفت متر است، کوتاه بنظر میرسد و شاید میخواستند در فرصت مناسب، مانند سایر بقاع دوره صفوی، گنبد دیگری در بالای آن قرار دهند و موقتاً میله ستون شکلی بر نوك آن قرار داده اند (شکل ۵). طاق درگاه شمالی افقی و طاق مدخل جنوبی (شکل ۶) و همچنین پلکان (شکل ۷) منحنی است.

* برای شناخت نفول به شماره ۱۲۷ مجله هنر و مردم مراجعه شود.
 ۲۴- برای شناخت گوشوار به شماره ۱۰۶ مجله هنر و مردم، مرداد ۱۳۵۰ نوشته نگارنده، «گوشوار و گوشوار تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، مراجعه شود.

داخل بنا را میتوان به سه قسمت تقسیم کرد :
اول دیوارها که شامل چهار درگاه است و از پائین به بالا دارای
چهار قسمت مزین است :

یک سطح نقاشی شده به ارتفاع یک متر .
یک حاشیه مزین به اسلیمی و به ارتفاع ۸۰/۰ متر .
یک قرنیز به ارتفاع ۶۰/۰ متر .
دوم منطقه تغییر حالت از مربع به مدور به ارتفاع حدود ۲۵ متر
که شامل چهار گوشوار و نقاط بین گوشوارها است .
سوم گنبد که در بالا بیضوی بنظر میرسد و در حدود سه متر ارتفاع
دارد .

مصالح بنا رویهم رفته ساده و ، صرفنظر از نفولها ، قرنیر و
زه ها ، عبارت است از :

۱- اندودگچ سفید که داخل ایوانها و تالار مربع را پوشانیده
است .

۲- مقرنسهای ساده و یا گره بندیهایی گچی که در سقف ایوانهای
جهت اصلی و گوشوارهای داخل تالار مربع تعبیه شده است .

۳- سطوح گچی نقاشی شده و حاشیههای اسلیمی که با رنگ
سبز پسته‌ای و قهوه‌ای ترتیب داده‌اند .

۴- کاشیکاری سطح خارجی گنبد که به مرور زمان ریخته و
تقریباً از بین رفته است .

رابطه بنا با بناهای قبل و بعد از آن .

بنای مزار بامرغ از نظر نقشه و شکل و مصالح شباهت فوق -
العاده به مقبره جغتین گیسور گناباد ۲۵ ، مربوط به دوره مغول ،

۲۵- مقبره جغتین گیسور ، بقلم نگارنده ، مجله بررسیهای تاریخی شماره ۳
سال هفتم ، مرداد و شهریور ۱۳۵۱ ، ص ۴۷ تا ۶۴ .

دارد و به احتمال قوی از آن الهام یافته است. تفاوت مختصری که به نظر می‌رسد مربوط به طول (عمق) ایوانهای واقع در گوشه‌های بنا است به این معنی که در هر یک از گوشه‌های مقبره جفتین يك طاق نما به عمق ۵۰ سانتیمتر منظور شده ولی در گوشه‌های مزار بیمرغ ایوانهایی به طول ۲۵ متر تعبیه گردیده است. طبقاً بهمین جهت است که استخوان بندی مقبره جفتین گیسور ظریف‌تر و دقیق‌تر از مزار بیمرغ بنظر می‌رسد.

بهر حال بنای مزار بیمرغ نمونه دیگری از تداوم معماری ملی و علاقه به سنتهای تاریخی ایران است زیرا:

اولاً نقشه آن اساساً مربع و به عبارت دیگر صلیبی است که بازوهای آنرا چهار درگاه و ایوانهای جلو آنها تشکیل میداده و اینگونه نقشه از دوران باستان تا عصر حاضر در ایران بکار رفته و می‌رود که به چند مثال ذیل اشاره میشود:

۱- نقشه تالار کاخ پیشاپور فارس مربوط به زمان شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱ میلادی) ۲۶.

۲- نقشه چهار طاق قصر شیرین منسوب به زمان خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ میلادی) ۲۷.

۳- نقشه آرامگاه امیر اسماعیل سامانی (۲۹۵-۲۷۹ هجری) در بخارا. ۲۸.

۴- نقشه مقبره زیارتی بجنورد مربوط به دوره مغول. ۲۹.

26— Edith porada, Iran ancien, Paris, 1963, p. 194, Fig. 104.

27— Idem. A Survey of Persian Art, T. 1, P. 553, Fig. 158.

28— A. U. Pope, A survey of persian Art, V. II, London, P. 948.

۲۹- معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، اثر دونالدن. ویلبر، ترجمه دکتر عبدالله فریار، تهران ۱۳۴۶، ص ۱۴۲ و نقشه شماره ۱۸.

- ۵- نقشه مقبره امیر تیمور (۸۰۷-۷۷۱ هجری) در سمرقند^{۳۰}
 ۶- نقشه آرامگاه کریم خان زند (۱۱۹۳-۱۱۶۳ هجری) در شیراز.^{۳۱}

۷- نقشه شبستان بزرگ جنوبی مسجد سپهسالار در تهران مربوط به اواخر قرن سیزدهم هجری.^{۳۲}

ثانیاً در سقف مدور این مزار از گوشوار استفاده شده است. این عامل ساختمانی و تزئینی مدت چهار قرن در معماری دوره ساسانی متداول بوده و در سراسر دوران اسلامی در جریان تقلید و تحول قرار گرفته است.^{۳۳} به عبارت دیگر مزار بیمرغ از نظر گنبد و عنصرهای اصلی ساختمانی با بناهای قبل و بعد از آن، از جمله اکثر بناهای فوق الذکر پیوستگی دارد.

ثالثاً در مزار بیمرغ ایوانها، طاق نماها، قوسهای جناغی و نفولها بکار رفته است. این عناصر نیز در معماری قبل و بعد از اسلام در ایران مورد استفاده بوده و در بیشتر بناها، که به شباهت نقشه آنها با نقشه مزار بیمرغ فوقاً اشاره گردید و همچنین در مثالهای ذیل، وجود دارد:

- ۱- کاخ آسور منسوب به دوره اشکانی (۲۲۴م-۲۵۰ق.م)، فعلاً واقع در بین النهرین شمالی، که دارای چند ایوان است و در نمای آن طاق نما و نفولهای زیبا وجود دارد.^{۳۴}
 ۲- طاق کسری منسوب به زمان شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱م.)، فعلاً

30— Idem. A Survey of Persian Art, P. 1152.

۳۱- اقلیم پارس، تألیف سید محمدتقی مصطفوی، تهران ۱۳۴۳، ص ۵۸ و ۵۹ و شکل ۱۱۴.

۳۲- تاریخ مدرسه عالی سپهسالار تألیف ابوالقاسم سبحان، تهران ۱۳۲۹.

۳۳- به ذیل شماره ۲۴ مراجعه شود.

34— A. U. Pope, A Survey of Persian Art, V. IV, London, 1938, Pl. 128 A.

واقع در بین‌النهرین، که عبارت از ایوان عظیمی است و در جبهه اصلی و طرفین آن پنج ردیف افقی طاق نماهای رویهم‌تعبیه‌گردیده است. ۳۵ در پشت دیوار این نما نیز طاق نماهایی با قوس‌های جناغی ترتیب داده شده بود. ۳۶

۳- گنبد سرخ مراغه مورخ ۵۴۲ هجری که در خارج آن نماها و نفولهای روشن نشان داده شده است و در جبهه مدخل يك طاق نماي زیبا با قوس جناغی احداث‌گشته است. ۳۷

۴- ایوان شمالی مسجد جامع گناباد، مورخ ۶۰۹ هجری، که در نمای دیوار طرفین آن دو جفت طاق نما و دو جفت نفول بترتیب و متناوباً از پائین به بالا ساخته شده است. ۳۸

رابعاً مصالح عمده مزار بیمرغ آجر و گچ است و این دو نوع مصالح به‌کثرت در بناهای قبل و بعد از اسلام ایران بکار رفته و می‌رود.

خامساً مزار بیمرغ در روی سکوقرار گرفته است. سکوی زیر بنا از دوران باستان در ایران و سایر کشور های همسایه آن معمول بوده و مثالهای ذیل از آن جمله است:

تخت جمشید مربوط به دوره هخامنشی. ۳۹

قصر شیرین مربوط به دوره ساسانی. ۴۰

35— 36— Idem. PL. 149 and 159.

37— Idem. PL. 289 and 290.

۳۸- شماره ۹۲ مجله هنر و مردم، خرداد ۱۳۴۹، ص ۱۰ شکل ۴، نوشته نگارنده.

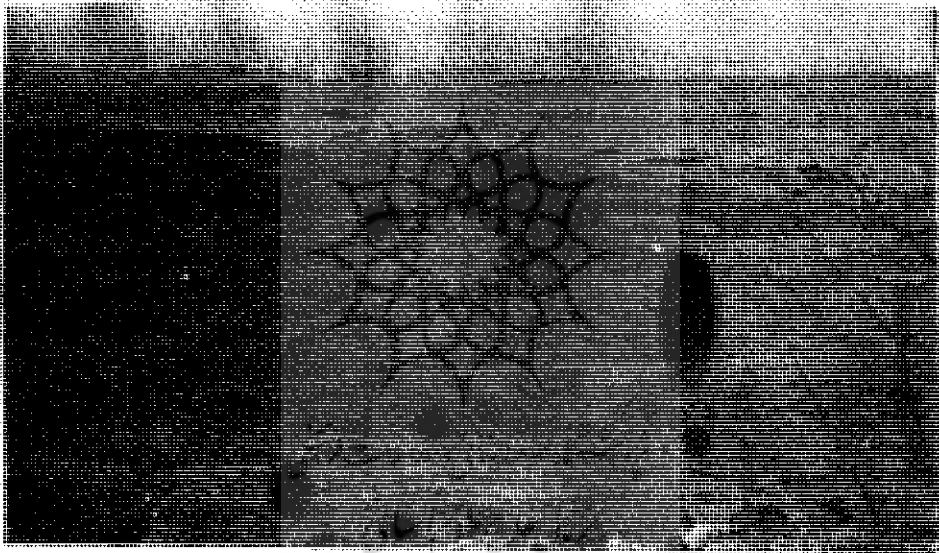
۳۹- هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه دکتر عیسی بهنام، تهران ۱۳۴۶، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

40— Edith Porada: Iran ancien, P. 192 Fig. 102

کاخ چهل ستون اصفهان مربوط به دوره صفوی . ۴۱

کاخ خورشید مربوط به زمان نادرشاه افشار . ۴۲

سادساً در داخل مزار بیمرغ از نقش اسلیمی چپ و راست استفاده شده است . این نقش دراکشورشته های هنری دوره ساسانی: حجاری ، فلزکاری ، بافتدگی و غیره بکار رفته و درگچ پیریمهای کاخ تیسفون^{۴۳} و سینیهای فلزی موجود و مربوط به آن دوره دیده میشود . ۴۴



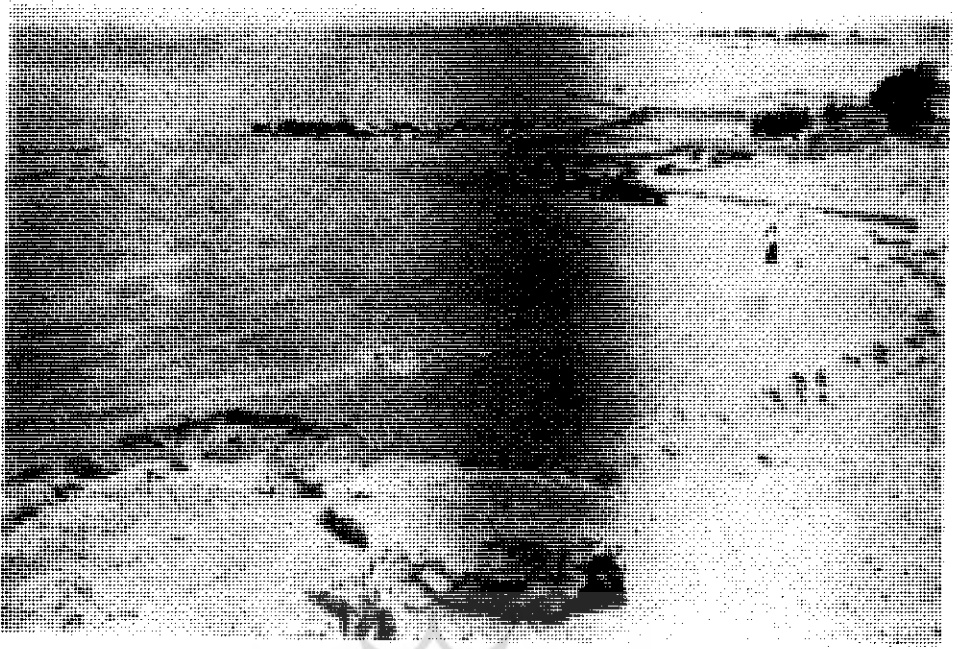
شکل شماره ۱- منظره ای از ویرانه های شهر باستانی پشن گناباد که در زمین نسبتاً وسیعی بچشم میخورد . سطح تپه ها و فواصل بین آنها از قطعات مختلف سفال پوشیده است .

41— A. U. Pope, A survey of Persian Art, V. 4, PL. 477

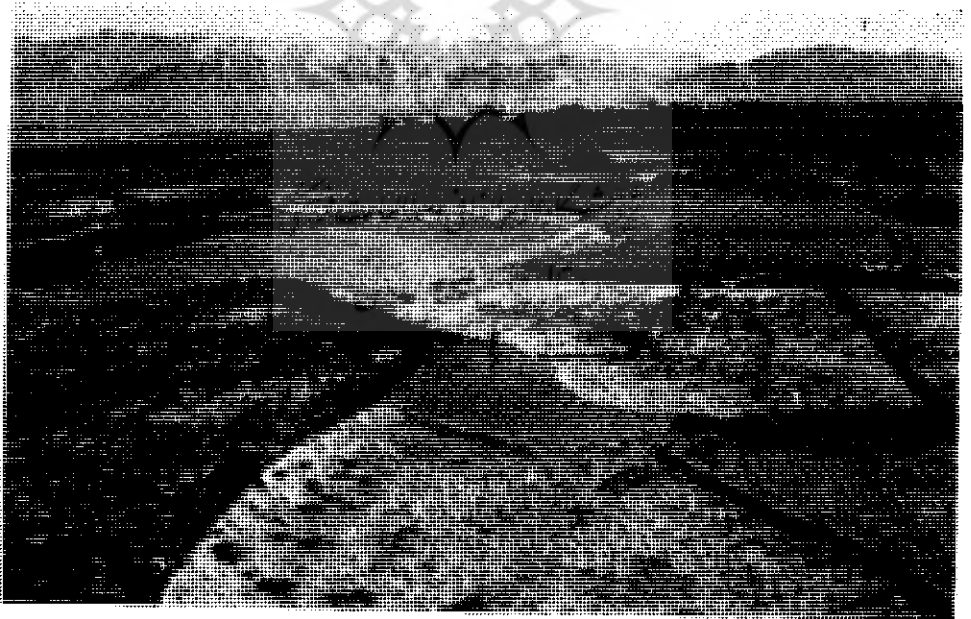
۴۲- مجله باستان شناسی و هنر ایران ، شماره چهارم ، ۱۳۴۸ ، نوشته دکتر پرویز ورجاوند ، ص ۶۵ .

43— Idem. A Survey of Persian Art, PL. 171 H.

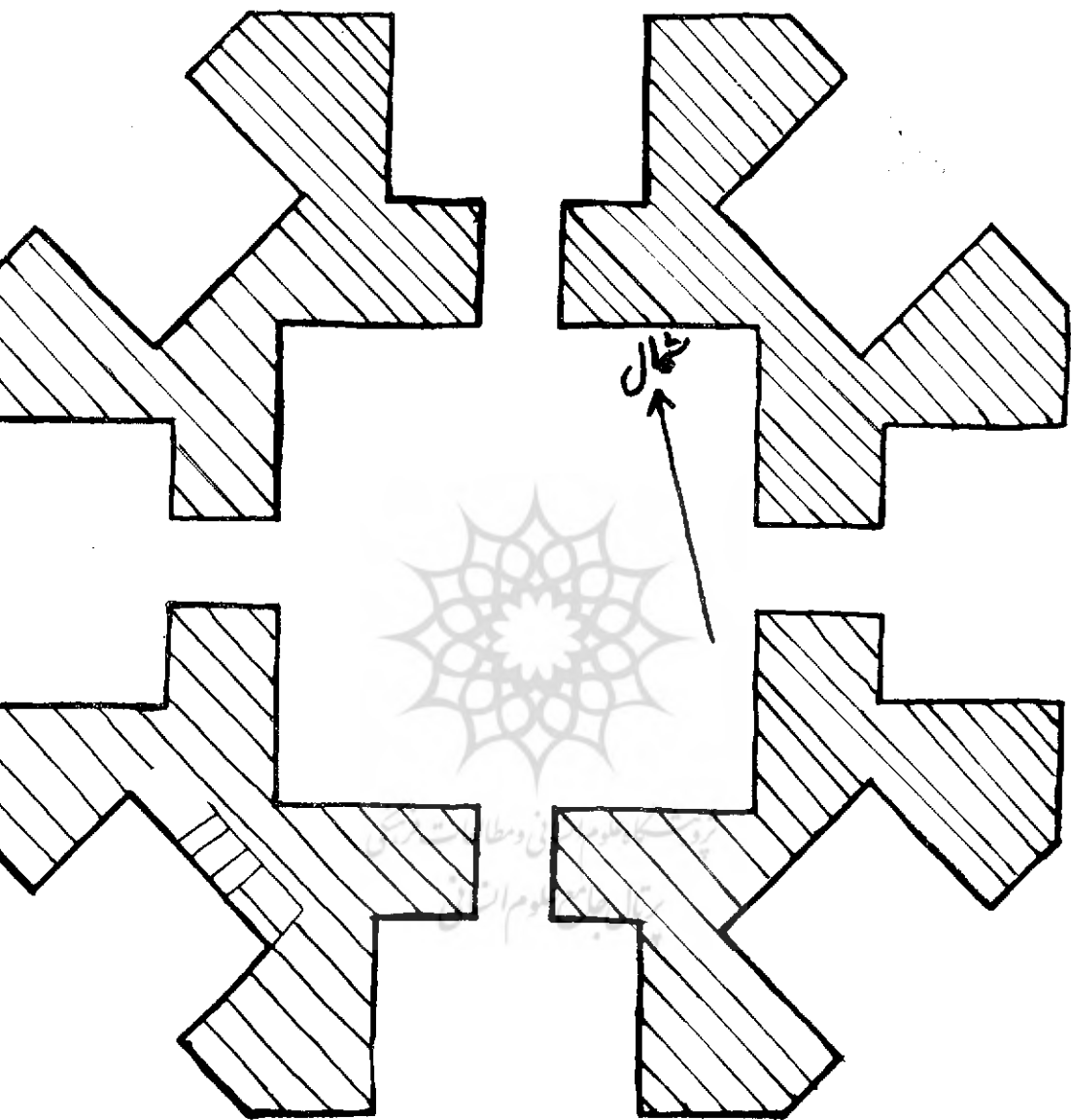
44— Idem. PL. 204.



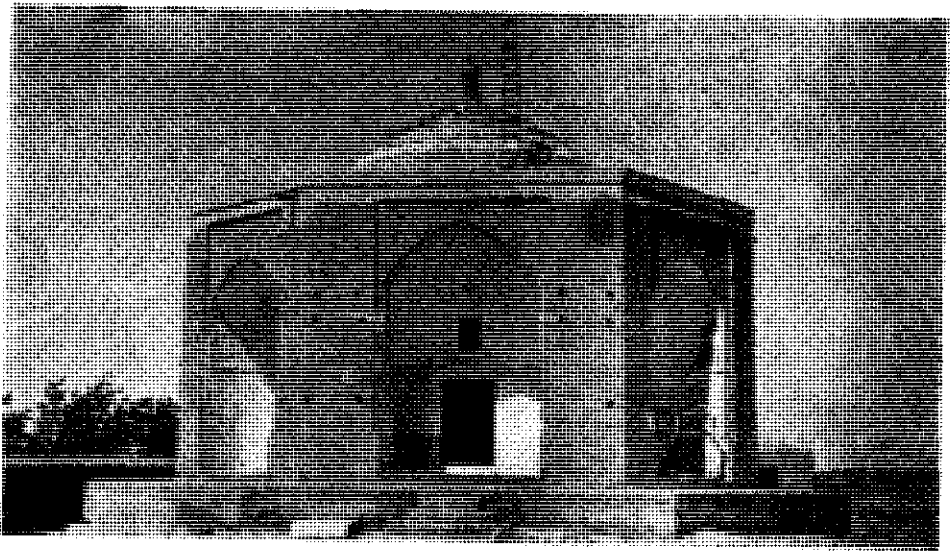
شکل شماره ۲- منظره‌ای از کناره غربی ویرانه‌های شهر باستانی پشن گناباد . در سمت راست عکس دامنه غربی تپه پشته به چشم می‌خورد .



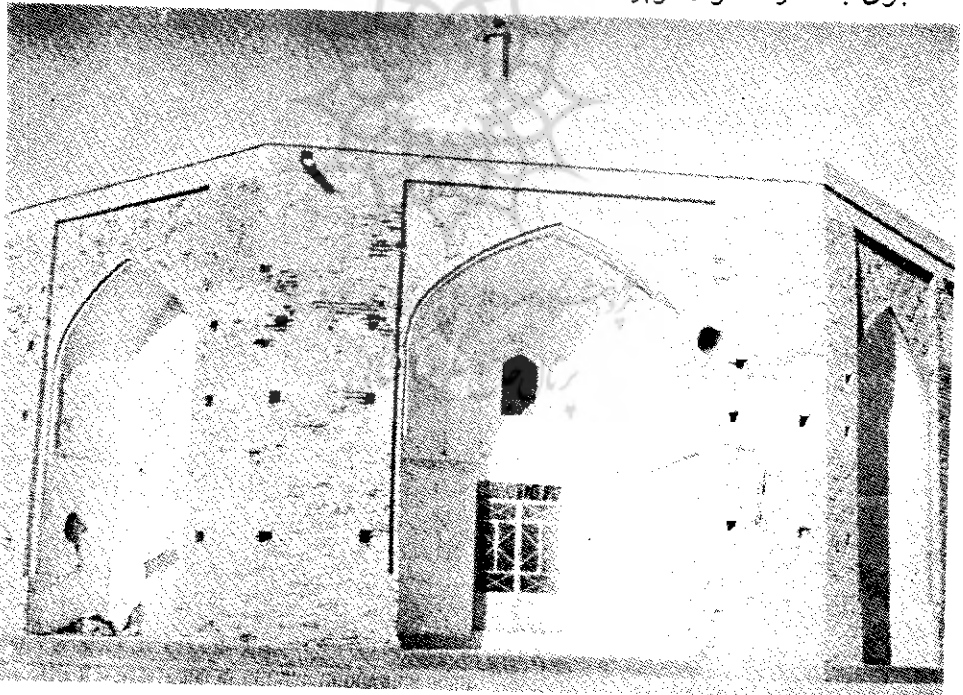
شکل شماره ۳- تپه اروك در جنوب ویرانه‌های شهر باستانی پشن گناباد. در اطراف تپه ، تپه‌های كوچك و اراضی زراعتی دیده می‌شود .



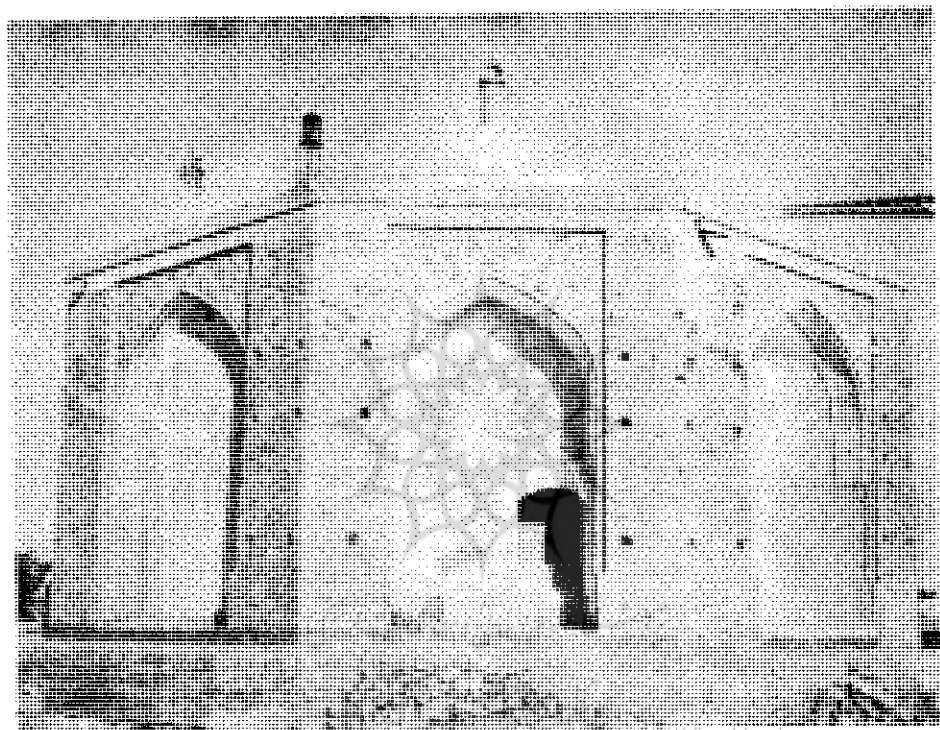
شکل شماره ۴- نقشه تقریبی مزار بیمرغ گناباد مورخ ۱۰۵۱ هجری . این نقشه در حقیقت مربعی است که چهار گوشه آنرا بریده و به هشت ضلعی تبدیل کرده اند .



شکل شماره ۵ - عکس مزار بیمرغ گناباد از سمت شمال . این بنا در روی يك سكوي هشت ضلعي به ارتفاع يك متر قرار دارد و سكو با سه پله ساده آجری به محوطه مزار مربوط است .



شکل شماره ۶ - جبهه جنوبی مزار بیمرغ گناباد . داخل ایوان با گچ سفید اندود و یزدی بندی شده است . قوس بالای درگاه منحنی و قوس بالای پنجره آن جناغی است .



شکل شماره ۷- عکس مزار بیمرغ گناباد از سمت جنوب غربی . در ته ایوان این سمت محل پلکان با قوس منحنی دیده میشود .